

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۱، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۹۸، صص ۶۹ تا ۹۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۳۰، تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱۹

بررسی شخصیت علی (ع) در خاوران نامه بر اساس نظریه فلیپ هامون

دکتر خلیل بیگزاده^۱، بایرام مرادی^۲، افسانه نوری^۳



اگر توسی از شاهنامه سخن
به آرایش رستم افکنند بن
ولی نامه من به نام علی است
می صافی من ز جام علی است
(ابن حسام خوشفی، خاوران نامه)

چکیده

شخصیت بزرگ و برجسته علی (ع) به گونه‌ای است که همه را مجذوب خویش ساخته و در طول تاریخ همواره نویسندگان و شاعران بسیاری شخصیت وی را توصیف کرده‌اند از جمله آنان مولانا محمدبن حسام خوشفی شاعر قرن نهم هجری است. وی نخستین حماسه‌سرای مذهبی ادب فارسی و جزء اولین شاعرانی است که تفکر شیعی را در شعر خود پروانده است. شخصیت والای علی (ع) وی را بر آن داشته تا پیرامون آن حضرت، ابیاتی نغز و زیبا بسراید. فلیپ هامون (Philip Hamon) نشانه‌شناس فرانسوی، شخصیت را به عنوان عنصر نشانه‌ای در نظر می‌گیرد و مبانی نظری نشانه‌شناسی شخصیت را گسترش می‌دهد. هامون، شخصیت را نشانه‌ای می‌داند که از دال (نام، جایگاه نحوی و بُعد بلاغی) و مدلول (صفات، کنش‌گفتاری و کنش رفتاری) تشکیل می‌شود. به طور کلی با بررسی نشانه‌شناسی شخصیت می‌توان با تکیه بر ویژگی‌ها و صفات به لایه‌های عمیق درونی شخص پی برد و این مجموعه رفتارها را الگو و سرمشق خویش قرار داد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که کنش‌های گفتاری، دو سطح از شخصیت حضرت علی (ع) را نشان می‌دهد. در گفت‌وگوهای میان مردم، وی شخصیتی بی‌نیاز و توانمند ترسیم شده است که از هیچ چیز و هیچ کس ترسی ندارد؛ اما در گفت‌وگوهای که ما بین او با خدا صورت می‌گیرد، وی به عنوان شخصیتی نیازمند و ناتوان به تصویر کشیده شده است. کنش‌های رفتاری وی شامل کنش‌های مختلفی مانند جنگ کردن، کشتن، نجات دادن و مانند این است که بسامد فراوان این نوع کنش‌ها نشان دهنده جایگاه اصلی امام علی (ع) در داستان دارد. همچنین وی شخصیتی بوده که درگیر مبارزه با دشمنان و نابود کردن آنان برای دفاع از دین اسلام و مسلمانان بوده است. نام‌ها و لقب‌های به کار رفته برای این امام، یعنی؛ علی، حیدر و غشمشم، همگی با صفات و کنش‌های این شخصیت هم‌خوانی دارند و به گونه‌ای اسم و لقبش دلالت بر تمام خصوصیت‌هایی دارد که در داستان، وی از خود نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: خاوران نامه، علی (ع)، شخصیت، فلیپ هامون.

^۱ . دانشیار دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسوؤل). kbaygzade@yahoo.com

^۲ . دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. moradi.bairam@gmail.com

^۳ . دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زابل، زابل، ایران. Noori9111@yahoo.com

مقدمه

دانش‌نشانه‌شناسی از جمله دانش‌های نوینی می‌باشد که موجب افزایش آگاهی انسان و توجه به اموری است که تاکنون از دیدگاه او پنهان مانده‌اند.

نشانه‌شناسی دامنه بسیار وسیعی از نظام‌های زبانی و غیرزبانی گوناگونی را دربرمی‌گیرد و مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد (ر.ک: عامری، ۱۳۹۵: ۱۴۴). شالوده این رشته را دو اندیش‌مند غربی به نام‌های فردینان دو سوسور (Ferdinand de Saussure) (۱۸۵۷-۱۹۱۳)، زبان‌شناس سوئیسی، و چارلز ساندرس پیرس (Charles Sanders Peirce) (۱۸۳۹-۱۹۱۴) فیلسوف آمریکایی بنا نهادند (ر.ک: عیاشی، ۱۴۲۹: ۳۳).

در مورد کاربرد روش نشانه‌شناسی در مورد شخصیت، باید گفت مفهوم «کارکردهای شخصیت، میراث مهم رویکردهای اولیه ساخت‌گرایی و صورت‌گرایی بوده است. کاری که پژوهش پراپ (Propp) بر روی قصه عامیانه آغاز شد و باعث گسترش کاربرد روش نشانه‌شناسی گردید.» (استون و ساوانا، ۱۳۸۲: ۵۰).

نشانه‌شناسی ادبی شخصیت با توجه به نظریه فیلیپ هامون (Philip Hamon)، نشانه‌شناس فرانسوی، براساس مؤلفه‌های نام، کنش‌های گفتاری و رفتاری (کارکرد بازیگرانه) و توصیفات به شناسایی شخصیت می‌پردازد. خاوران‌نامه مصداق بسیار مناسبی برای این نوع نگرش است. جستار حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و نیز با در نظر گرفتن چهارچوب نظریه فیلیپ هامون به بررسی شخصیت علی (ع) در آثار حماسه مذهبی پرداخته است.

پیشینه تحقیق

در مورد خاوران‌نامه پژوهش‌هایی انجام شده از جمله؛ احمدی بیرجندی (۱۳۶۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان «دیدگاه‌های اخلاقی و اجتماعی محمد بن حسام خوسفی بیرجندی در منظومه خاوران‌نامه» به بررسی مضامین اخلاقی و گاه اجتماعی که ظاهراً خارج از متن مورد نظر شاعر می‌باشد، پرداخته است. عطا شیبانی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «تصویر آفرینی بلاغی در خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی بیرجندی» پس از بررسی مقدمه و هزار بیت از متن کتاب با روش آماری و سپس تحلیل گونه‌ای بر محتوای آن، نشان می‌دهد که ابن حسام ضمن بیش‌ترین

استفاده از هنر بیانی تشبیه در متن، تصویر را در خدمت موضوع حماسی و بیان باورهای دینی خود قرار داده است. ناصح (۱۳۷۸)، در پژوهشی تحت عنوان «خاوران‌نامه، نوشداروی جان‌بخش ابن حسام خوسفی بیرجندی» به این نتیجه دست یافته است که منظومه خاوران‌نامه داروی جان‌بخشی است که کام معتقدان ولایت را در طول قرن‌ها شیرین داشته و هنوز هم در نوع خود بی‌نظیر است. بهنام‌فر (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر شاهنامه بر خاوران‌نامه» به این نتیجه دست یافته است که تأثیر شاهنامه به صورت آشکار و نهان در جای جای خاوران‌نامه به چشم می‌خورد؛ از انتخاب وزن و بحر گرفته تا تأثیرپذیری واژگانی، تضمین و ... راشد محصل (۱۳۷۸)، در مقاله‌ای با عنوان «خاوران‌نامه یک حماسه دینی تاریخی یا یک منقبت‌نامه اعتقادی تبلیغی» کوشیده است با بررسی عوامل عمده و عناصر شعری در منظومه خاوران‌نامه این نکته را اثبات کند که این اثر یک منقبت‌نامه اعتقادی است.

روش تحقیق

در این تحقیق کوشیده شده تا به شیوه تحلیلی_ توصیفی به موضوع پرداخته شود.

مبانی تحقیق

شخصیت

هر موجودی که گوشه‌ای از روایت را به عهده بگیرد و درباره خصوصیات خودش و دیگران حرفی بزند، شخصیت است. «شخصیت در لغت به معنی ذات، خُلق و خویِ مخصوص شخص است و در معنی عام، عبارت از مجموعه خصوصیات است که حاصل برخورد غرایز و امیال نهفته انسان با دانش‌های اکتسابی او در زمینه‌های مختلف اجتماعی می‌باشد.» (داد، ۱۳۸۷: ۳۰۱).

براهنی معتقد است ریشه این واژه را «از کلمه انگلیسی engraving به معنی حکاکی کردن و عمیقاً خراش دادن گرفته‌اند.» (براهنی، ۱۳۷۲: ۲۴۹). در مورد شخصیت تعاریف متعددی ارائه شده است. «شخصیت موجود جاندار یا جاندار انگاشته شده‌ای است که حضور، تفکرات و اعمالش به هر واقعه‌ای محتمل‌الوقوع، حیات و حرکت می‌بخشد و به آن واقعه، شکل و ساختمان داستانی و هنری می‌دهد.» (ابراهیمی، ۱۳۷۸: ۸۰). وی شخصیت را عامل

حرکت و حیات وقایع داستانی می‌داند. یا در تعریفی دیگر «شخصیت عبارت است از فردی که مانند اشخاص حقیقی از ویژگی‌هایی برخوردار است و با این ویژگی‌ها، در داستان و نمایش ظاهر می‌شود.» (مقدادی، ۱۳۷۸: ۳۳۳).

تنوع تعاریف و دیدگاه‌ها درباره شخصیت حاکی از اهمیت ویژه این عنصر داستانی در روند شکل‌گیری و تأثیرگذاری داستان است. بنابراین شخصیت نقش کلیدی و اساسی در داستان دارد. سیگر در کتاب خلق شخصیت‌های ماندگار، شخصیت را کلید داستان کارآمد می‌داند و اساس خلق داستان بزرگ را در داشتن و آفرینش شخصیت بزرگ دانسته است (ر.ک: سیگر، ۱۹۹۱: ۲۵۱). همچنین از نظر میرصادقی «اشخاص ساخته شده‌ای (مخلوقی) را که در داستان و نمایش‌نامه و ... ظاهر می‌شوند، شخصیت می‌نامند، شخصیت؛ در اثر روایتی یا نمایشی فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او، در عمل او و آنچه می‌گوید و می‌کند، وجود داشته باشد.» (میرصادقی، ۱۳۹۲: ۸۳). پس شخصیت در داستان بازتاب تصورات و اندیشه نویسنده است و نویسنده با خلق اشخاص زنده و دقیق از محیط پیرامون خود و وارد کردن آن‌ها در دنیای داستان خود، سعی می‌کند که اثرش با مخاطبان رابطه‌ای تأثیرگذار، جذاب و ماندنی‌تر برقرار کند و به نوعی افکار و اعمال خود را در وجود شخصیت‌های داستانش بیان نماید.

نشانه و نشانه شناسی

دانیل چندلر در کتاب مبانی نشانه شناسی می‌گوید: «نشانه هر چیزی است که بر چیزی دیگر اشاره دارد و از منظر نشانه شناسی، نشانه‌ها می‌توانند به شکل کلمات، تصاویر، اصوات، اطوار و اشیاء ظاهر شوند.» (چندلر ۱۳۸۷: ۲۱-۲۰) نشانه (Sign) اتحاد صورت دلالت‌کننده است با تصویری که بر آن دلالت می‌کند. ما اگرچه از دال و مدلول به شکلی صحبت می‌کنیم که انگار دو عامل مستقل از یکدیگرند، ولی دال و مدلول صرفاً در حکم دو مؤلفه نشانه موجودیت می‌یابند (ر.ک: کالر، ۱۳۷۹، ص ۱۸). نشانه‌های زبانی صداهایی‌اند که انسان به وسیله دستگاه گفتار خود، برای نشان دادن اشیاء، اشاره به رویدادها و دیگر ویژگی‌های جهان بیرون پدید می‌آورد، و از نظر سوسور، نشانه زبانی ارتباط یک شیء، یک نام یا پیوند یک مفهوم یا معنا و یک صورت آوایی است. بر این اساس، هر نشانه زبانی، معنا را به صورت

آوایی نشان می‌دهد. (ر.ک: علوی مقدم، ۱۳۷۹: ۳۴۱).

نشانه‌شناسی، ترجمه Semiology یا Semiotics است. این کلمه برگرفته از ریشه یونانی Semeion به معنای «نشانه» است. اصطلاح Semiology را پیش‌تر جان لاک در کتاب رساله‌ای در باب فهم بشری (۱۹۶۰) به کار برد. (ر.ک: مکاریک، ۱۳۸۵: ۳۲۷)، اما فردینان دوسوسور زبان‌شناس فرانسوی در دوره زبان‌شناسی عمومی که پس از درگذشت او منتشر شد، این اصطلاح را به منزله عنوان دانشی جدید مطرح کرد. او از نشانه‌شناسی به عنوان دانشی بسیار وسیع و فراگیر یاد کرد که در آینده شکل خواهد گرفت و مطالعه زبان و زبان‌شناسی در واقع بخشی از دانش نشانه‌شناسی به شمار خواهد آمد. (ر.ک: همان: ۳۲۸). تمرکز سوسور بر نشانه‌های زبانی بود. همزمان با سوسور، منطق‌دان آمریکایی، چارلز سندرس پیرس (Charles sanders peirce) درباره مفهوم نشانه و تبیین انواع نشانه و فهم و تحلیل آن‌ها در نظام‌های متفاوت نشانه‌ای، مطالعات گسترده‌ای کرد و مستقل از سوسور، به نتایجی در این باره دست یافت که البته با آنچه فردینان دو سوسور مطرح کرده بود تفاوت‌هایی داشت. «نشانه‌شناسی ادبی یافتن مناسبت میان تصویر (دال) و تصوّر (مدلول) است. هدفش در نهایت کشف مناسبتی است میان آنچه نویسنده ارائه کرده است و آنچه خواننده فهمیده یا تأویل کرده است.» (احمدی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۶).

به عبارت دیگر نشانه‌شناسی ادبی با بررسی مناسبت‌های مذکور و کشف ارتباط میانشان می‌کوشد تا به معانی و مفاهیمی که در ورای این مناسبت‌هاست، دست یابد. هم‌چنین از جمله تفاوت‌های نشانه زبانی و ادبی می‌توان به این نکته اشاره کرد که «در نشانه زبانی معنی قاموسی لفظ مورد نظر است، و در نشانه ادبی ماوراء لفظ مورد توجه قرار می‌گیرد.» (طاهری نیا و حیدری، ۱۳۹۳: ۴۸).

در ادامه راه نشانه‌شناسان، فیلیپ هامون، نشانه‌شناس فرانسوی، شخصیت را به عنوان عنصر نشانه‌ای در نظر می‌گیرد و مبانی نظری نشانه‌شناسی شخصیت را گسترش می‌دهد. وی شخصیت را مفهومی نشانه‌شناختی و مجموعه‌ای منسجم از رفتارها و ویژگی‌ها می‌داند و به نشانه‌شناسی شخصیت نمی‌پردازد، مگر این‌که اشراف کامل نسبت به متن داشته باشد و نشانه‌ها را شناسایی کند. بنابراین وی، شخصیت‌های متن را در مقابل همدیگر قرار می‌دهد

و بین آنها ارتباط برقرار می‌کند تا از این طریق به هویت شخصیت پی ببرد. هامون، شخصیت را نشانه‌ای می‌داند که از دال و مدلول تشکیل می‌شود. او معتقد است: «شخصیت، مجموعه‌ای هماهنگ از نظام‌های برنامه‌ریزی شده است که پی بردن به هویت او در گرو خوانش متن است.» (هامون، ۱۹۹۰: ۲).

بحث

الگوی فلیپ هامون

فلیپ هامون در بررسی نشانه‌ای شخصیت، آن را تحت سه عنوان مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. این عناوین عبارتند از: شخصیت به مثابه مدلول، شخصیت به مثابه دال و سطوح تحلیل شخصیت.

شخصیت به مثابه مدلول

هامون شخصیت مدلول را از طریق بیان ویژگی‌ها و کارکردهای آن توضیح می‌دهد؛ که به سه دسته تقسیم می‌شوند: صفات و کارکردهای شخصیت، جنسیت، اصلیت جغرافیایی، جهان‌بینی، ثروت و کارکردهای شش‌گانه که عبارتند از: یافتن کمک، سپردن امور به دیگران، عقد پیمان، دست یافتن به اطلاعات، یافتن آن‌چه مورد نیاز است و رویارویی مؤفق، ارتباط شخصیت‌ها با یکدیگر، طبقه‌بندی شخصیت‌ها. (ر.ک: عامری، ۱۳۹۵: ۱۴۸). هم‌چنین هامون به منظور بررسی تردّد و میزان حضور شخصیت‌ها و بر اساس معیارهای کمی و کیفی یک تقسیم بندی ارائه می‌دهد تا به میزان تراکم، تواتر و تکرار شخصیت‌ها پی ببرد. در این تقسیم بندی شخصیت طبق عناوین: صفت واحد، صفت مکرر، احتمال واحد، احتمال مکرر، کنش واحد و کنش مکرر، بررسی می‌گردد. (ر.ک: حمداوی، ۲۰۱۵: ۶۲). بنابراین شخصیت به مثابه مدلول، از طریق کارکرد و صفاتی که در داستان از آن برخوردار است، بررسی می‌گردد.

شخصیت به مثابه دال

در شخصیت به مثابه دال، نام شخصیت از اهمیت بسزایی برخوردار است. به عقیده هامون دال اصلی در شخصیت، اسم خاص (علم) است؛ چرا که اسم خاص ویژگی‌ها و پایه‌های

دلالتی و نشانه‌ای شخصیت را آشکار می‌سازد. هم‌چنین فیلیپ هامون شخصیت دال را علاوه بر اسم خاص (علم)، از طریق ضمیر و تأکید بر بُعد بلاغی آن نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. ضمائر در تکوین و تشکیل شخصیت داستان، نقشی ضعیف‌تر از اسم خاص (علم) را ایفا می‌کنند؛ چرا که اسم خاص، باعث تمایز روشن شخصیت‌ها از یکدیگر در داستان می‌گردد. در بُعد بلاغی نیز، اسامی خاص به منظور اشاره، رمز و هنجارشکنی مورد استفاده قرار می‌گیرند، و بدین ترتیب از بُعدی مجازی، استعاری که خود بر پایه مجاز، استعاره، کنایه، رمز و ... شکل گرفته، برخوردار می‌شوند. (ر.ک: عامری، ۱۳۹۵: ۱۴۹).

سطوح تحلیل شخصیت

تحلیل شخصیت در دو سطح مورد بررسی قرار می‌گیرد: ساختار بازیگران و ساختار عوامل. در ساختار نخست، سطح ابتدایی و سطحی مورد بررسی قرار می‌گیرد، بدین ترتیب بررسی صفات بارز و خاص و ... به استخراج و کشف محورهای دلالتی می‌انجامد. در سطح عوامل نیز الگوی کنشی مورد بررسی قرار می‌گیرد و بازیگران (شخصیت‌ها) بر اساس جایگاه کنشی که در متن دارند، تقسیم می‌شوند. (ر.ک: هامون، ۱۹۹۰: ۱۱-۱۰).

ابن حسام

نامش محمد و نام پدرش حسن ملقب به حسام‌الدین. وی نام و نسب خود را در پایان قصیده‌ای در مدح پیامبر ذکر می‌کند و می‌گوید:

نامی که جز به نام تو نامی نمی‌شود
نام محمد بن حسام محمد است
(واعظی، ۱۳۹۰: ۲۳/۵۰)

در مورد سال تولد شاعر آنچه از اشعار خود او برمی‌آید سال ۷۸۲ یا ۷۸۳ هـ ق درست است:

این قصیده به سن سی و چهار
بعد هشتصد به سال ست عشر
نظم کردم چو لؤلؤ شهسوار
از ولایات شاه دین پرور
(واعظی، ۱۳۹۰: ۱۲/۱۲۹-۱۳)

محل تولد وی در شهر خوسف حدود چهل کیلومتری جنوب غربی شهر بیرجند در حاشیه جاده بیرجند_طبس به دنیا آمده است. (در پاورقی یا پا نوشت بیاید بهتر نیست) که

شاعر در ضمن اشعارش به آن اشاره نموده است:

هست کارم درین خرابه آباد خوسف چون دوزخ است و من عذاب
(همان: ۲/۴۷۱)

اجداد وی اهل فضل و سواد و علم و ارشاد بوده‌اند و جدّ امجدش شیخ شمس‌الدین زاهد است همان‌گونه که خود شاعر نیز به این معنی اشاره نموده است:

پدرم گفت: قرب سیصد سال رفت و از رفتگان مرا یاد است
تا به نه پشت ما که اجدادند همه را فضل و علم و ارشاد است
(همان: ۱۵/۴۷-۱۶)

قرنها رفت و عمر ما بگذشت کاین عطیه به ما خدا داد است
پسران هم زدست مگذارید آنچه میراث باب و اجداد است
(همان: ۱/۴۷۲-۲)

اولین و برجسته‌ترین استاد او پدرش حسام‌الدین بوده و تحت تأثیر تربیت‌های وی به علم و کمال دست یافته است به طوری که می‌گوید:

تربیت‌های پدر خاک مرا خوشبوی کرد خاک خوش بر خوابگاه تربت بابای من
(همان: ۲۲/۱۸۳)

در بیتی به شغل خویش اشاره نموده است:

دیگر اندر پی زراعت خویش سعی بردم به استطاعت خویش
(همان: ۴/۱۵۰)

خاوران‌نامه

کتاب خاوران‌نامه یک مثنوی حماسی دینی است که در آن افسانه‌ها و داستان‌های خیالی از سفرها و جنگ‌ها و دلاوری‌های حضرت علی بن ابیطالب (ع) و یارانش مالک اشتر و ابوالمحسن در سرزمین خاوران، با شاه خاور به نام «قباد» و شاهان بت‌پرست دیگر به نام طهماسب شاه و صلصال‌شاه و سپاه دیوان و اژدها به نظم کشیده شده است. ذبیح‌الله صفا در کتاب حماسه‌سرایی در ایران درباره این افسانه‌ها می‌نویسد: «در باب اوّل شیعیان، میان

شیعه تدریجاً داستان‌هایی پدید آمده که بعضی از آن‌ها مبنی بر حوادث تاریخی یعنی جنگ‌های او در حیات محمدبن عبدالله (ص) و هنگام خلافت و شجاعت‌های وی است. منتهی به تدریج عناصر داستانی بر آن‌ها افزوده شده است. برخی دیگر از داستان‌ها به کلی دور از حقیقت تاریخی و افسانه محض است که اندک اندک میان ملت ایران بر اثر اخلاص شدید این قوم نسبت به حضرت علی (ع) و در آمدن او در صف پهلوانان ملی، وجود یافت، مانند داستان پهلوانی‌های وی در سرزمین خاور که در خاوران‌نامه می‌بینیم.» (صفا، ۱۳۸۷: ۳۷۳). ولی گویا این افسانه‌ها ریشه در اساس کهن ایرانی داشته، سپس تغییراتی در آن داده، به حضرت علی (ع) منسوب داشته‌اند و سرایندهٔ مثنوی نیز مدعی است که اصل آن عربی بوده و در سال ۸۳۰ هجری قمری به نظم آن خاتمه داده است:

چو بر سال هشتصد بیفزود سی شد این نامه تازیان پارسی

(مرادی، ۱۳۸۲: ۱/۳۱۵)

و بنا به نوشته محققان آخرین تقلید مهم و قابل ذکری است که از شاهنامه فردوسی به عمل آمده است که سرایندهٔ آن نیز با خرسندی آن را بیان کرده و گفته است:

بهاری چو باغ ارم تازه بوی چو فردوس فردوسی از رنگ و بوی

(همان: ۱۶/۳۱۴)

منظومهٔ حماسی ابن حسام پیش‌تر به نام «خاورنامه» معروف است ولی خود شاعر آن را «خاوران‌نامه» نامیده و گفته است:

مر این نامه را خاوران‌نامه نام نهادم که در خاوران شد تمام

(همان: ۱۸/۳۱۴)

در حماسه‌های ملی اشخاص غالباً ابرمردانی‌اند که مظاهر قدرت پهلوانی و فضیلت یا ضد فضیلت‌اند. در منظومهٔ دینی خاوران‌نامه، شخصیت‌های اصلی حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) هستند و بقیه حول این دو محور تشخص می‌یابند. از این رو اعمال خارق‌العاده بیش‌تر جنبهٔ اعتقادی داشته و حاصل کرامات و فضایل ایشان است. به عبارت دیگر مجموعهٔ حوادث به نوعی بیان فضیلت و منقبت یا توصیف خصوصیات و حالات آنان است و جنبه‌های مبالغه‌آمیز نیز توجیه دینی و اعجازی دارد. حماسه‌های دینی نیز در زمرهٔ حماسه‌های تاریخی

و اسطوره‌ای هستند. به این معنا که جایگاه قهرمانان در حماسه‌های دینی روشن است اما رفتار و کردارشان یادآور قهرمانان حماسه‌های نمادین و اسطوره‌ای است. برای آثار حماسی سه ساحت را می‌توان قائل شد: حماسه اسطوره‌ای که قهرمانان در آن نمادینند. دیگر حماسه تاریخی که در آن چهره قهرمانان واقعی است و در نهایت حماسه دینی. از آنجا که در تقسیم‌بندی انواع حماسه، حماسه دینی بین دو دسته دیگر قرار می‌گیرد بنابراین این حماسه آمیزه‌ای از حماسه راستین و اسطوره است. قهرمانان در این نوع حماسه، حقیقی هستند و جایگاهشان روشن است اما رفتار و کردارشان یادآور قهرمانان حماسه نمادین اسطوره‌ای است. (ر.ک: کزازی، ۱۳۸۳: ۷). در باب شخصیت‌های خاوران‌نامه باید گفت که برخی مانند مالک‌اشتر، ابوالمحنج، عمروبن معدی کرب و عمرو امیه واقعتاً تاریخی دارند که دلاوری‌هایشان در غزوات صدر اسلام، ورد زبان‌ها و آشنای گوش‌هاست و پاره‌ای دیگر از شخصیت‌های داستانی هم چون عملاً ققرطاس و عبدوی صرفاً ساخته ذهن شاعر است و تنها باید از دید حماسی بدان نگریست. اما گروه سوم شخصیت‌هایی هستند که از شاهنامه فردوسی به خاوران‌نامه راه یافته‌اند که ابن حسام گاه برای ذکر مثال و تشبیه و تأیید مطلب خود و گاه به عنوان شخصیتی مستقل در داستان‌هایش از آن‌ها استفاده می‌کند از جمله رستم، اسفندیار، بیژن، جمشید، بهمن، زال، سام، ضحاک، کاوس، کیخسرو، کیقباد، گسته‌م، گودرز، گیو، منوچهر و ... (ر.ک: بهنام‌فر و خسروی، ۱۳۹۲: ۲۴).

گاهی نیز شخصیت‌های شاهنامه بدون تغییر کارکرد، در خاوران‌نامه راه پیدا کرده‌اند. به عبارت دیگر، ابن‌حسام چهره‌های مثبت و منفی را از شاهنامه گرفته، بدون این‌که تغییری در ماهیت و کارکرد آن‌ها ایجاد کند، آن‌ها را لابه‌لای داستان‌هایش به خدمت گرفته و مضمون مورد نظرش را بیان کرده است. شاهد بارز این شخصیت رستم است. رستم معروف‌ترین شخصیت شاهنامه است که صحنه‌های حماسی بسیاری در شاهنامه آفریده است؛ از آن جمله می‌توان به فتح دژ سپند کوه، نجات دادن کیکاووس و سایر پهلوانان در بند دیو سپید مازندران با گذشتن از هفت خوان، نجات کاووس از بند شاه هاماوران، بزرگ کردن سیاوش پسر کاووس، کشتن سودابه همسر کیکاووس به خون‌خواهی سیاوش، نجات بیژن پسر گیو از چاه افراسیاب و پرورش بهمن پسر اسفندیار اشاره کرد. خلاصه این‌که رستم بزرگ‌ترین

قهرمان حماسه ملی ایران و نماد پهلوان آرمانی ایران و مظهر همه نیرومندی‌ها، دلاوری‌ها، جوان‌مردی‌ها و در یک کلام، همه فضایل والای انسانی است. نکته در این جاست که هر جا ابن حسام نام رستم را می‌آورد در واقع هدفش بیان دلاوری و پهلوانی اوست. گاه این مطلب را مستقیم و گاهی غیرمستقیم بیان می‌کند. به عنوان مثال، ابن حسام در خاوران‌نامه از کوهی با این مشخصات سخن می‌گوید بی‌نام و نشان، جایگاه دیوان و غولان، صعب العبور و ... نام این کوه، کوه بلور است که فقط حضرت علی (ع) قهرمان و شخصیت اول خاوران‌نامه می‌تواند به آن‌جا برود و تا کنون نیز کسی به این کوه گذر نکرده است؛ کوهی را که علی (ع) در ابتدای امر از آن شگفت زده می‌شود؛ با همان کارکردی که در شاهنامه داشته، وارد داستانش می‌کند و نمونه‌هایی از این قبیل بسیار است.

در خاوران‌نامه حضرت علی (ع) قهرمانی است دلیر، جنگاور و شکست‌ناپذیر، و در جنگ‌های بزرگ این حماسه، حضوری فعال دارد؛ به طوری که به حق می‌توان -آن‌گونه که در بسیاری از منابع دیده می‌شود- خاوران‌نامه را داستان رشادت‌های آن حضرت نامید. این جنگجوی دلیر بر همه موانع، اعم از دیو، اژدها، طلسم، جادو، سپاهیان گران، پهلوانان بزرگ و ... غلبه می‌کند و همیشه پیروز از جنگ بیرون می‌آید. پهلوانان و جنگاوران مقابل او همه سترگ و تسخیرناپذیرند؛ با این حال، آن حضرت بر همه‌شان چیره می‌شود. وی هرگز اشتباه نمی‌کند و در دام دشمن اسیر نمی‌شود؛ علاوه بر قدرت بدنی، از جهت تفکر، تعقل، هوش و سیاستی که بایسته کارزار است، از همگان برتر است و به راحتی سپاه دشمن را به بازی می‌گیرد. پس از آن حضرت دیگر قهرمانان سپاه اسلام چون: ابوالمحنج، مالک اشتر، سعد، قنبر، میرسیاف و دل‌افروز نیز بسیار شجاعانه می‌جنگند. علاوه بر آن‌ها حضرت محمد (ص) با وجود آن‌که در داستان حضور فیزیکی ندارد، از مدینه با برگرفتن حجاب‌های دنیایی، بر تمام وقایع آگاه و بیناست. مسلمانان را راهنمایی و جنگ را هدایت می‌کند و در خواب و بیداری جنگ را به پیش می‌برد و به سپاه اسلام می‌گوید که چه کند.

بررسی الگوی فلیپ هامون در شخصیت علی (ع) در منظومه حماسی خاوران‌نامه

شخصیت علی (ع) به مثابه مدلول در حماسه مذهبی خاوران‌نامه

صفات

صفت‌های به کار رفته برای امام علی(ع) در این اثر یا دلالت بر قدرت جسمانی و جنگاوری آن حضرت دارند یا خصوصیات اخلاقی او را نشان می‌دهند یا این که حکمت و دانش او را ترسیم می‌کنند. در بین این سه دسته صفت، نوع اول بسامد بیشتری دارد. علت برجسته‌سازی این نوع صفت‌ها، این است که این اثر یک اثر حماسی است؛ بنابراین نوع ژانر ادبی در انتخاب صفت‌ها تأثیرگذار بوده است.

قدرت و جنگاوری: مهمترین صفت به کار رفته برای امام علی(ع)، صفت‌هایی هستند که قدرت جنگاوری او را نشان می‌دهند. در حقیقت تصویری که از امام علی(ع) از طریق این اوصاف نشان داده می‌شود، شخصیتی قدرتمند و رزمنده است که با توجه به جایگاهش در رهبری جامعه اسلامی، از این قدرت خود در جنگ با دشمنان استفاده می‌کرده است:

چو خورشید تابان ز اوج کمال	بگسترده سایه به جای زوال
به مسجد درآمد رسول حجاز	پر اندیشه از حیدر رزمساز
بیامد بدو جبرئیل از خدای	چنین گفت کای سید رهنمای
نگر تا نداری دلت را ملول	به ایوان مسجد برای ای رسول
بیا تا علی را به خاورزمین	بینی به میدان مردان کین
به ایوان برآمد رسول جلیل	یکی پر بزد در زمان جبرئیل
حجابی که بد در زمین برگرفت	نهاد گمان از یقین برگرفت
نبی تا به خاورزمین بنگرید	همه دیدنی‌ها سراسر بدید
بدید اندر آن دشت چندان سپاه	که گم کرد در گرد خورشید راه
همه دشت خاور پر از کشته دید	زمین خاک با خون برآغشته دید

(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۱۴۶)

در نمونه زیر نیز از زبان پیغمبر(ص) حضرت علی(ع) به شیر تشبیه شده است که وجه شبه آن یعنی شجاعت، دلالت بر صفت پیشین آن حضرت دارد:

پیمبر سر آوردشان در کنار	بدو گفت کای شیر دلدل سوار
ز مالک نداری همانا خبر	که مر پهلوان را چه آمد به سر

به گرد حصار طلسمات دال فرو ماند ناگه به دستان زال
(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۲۱۷)

حضرت علی (ع) از سالار قام (صلصال) که پیکری پهلوانی دارد یک سر و گردن
بلندتر است:

خبر شد به حیدر که سالار قام کمر بسته با تیغ زرین نیام
همی راند از سوی این انجمن چو سروی که باشد چمان بر چمن
بدیدند گردن بر و یال او درازا و پهنای و چنگال او
از آن پهلوی پیکر و بال و سفت بماندند از او شیرمردان شگفت
چو آمد به میدان فرود، آرمید همی بود تا لشکر او را بدید
بسهمید هر کس ز بالای او نبذ در جهان مرد همتای او
بیامد به نزدیک سالار قام به زیر اندرون، دلدل خوش خرام
چو صلصال دید آن چنان یال و یاز زیادت به یک گردن از سرفراز
(همان: ۲۳۸)

صلصال در برابر قامت حضرت علی (ع) شگفت زده می شود و به او نسبت جادوگری
می دهد:

بدو گفت کای مرد افسون نمای عنان را ز جادوگری برگرای
تو در چشم من نمودی زبون دگرگونه تر می نمایی کنون
(مرادی، ۱۳۸۲: ۳۴۲)

صلصال که بارها علی (ع) را در نبرد با خویش آزموده است در مورد تنومندی حضرت
علی (ع) می گوید:

علی را بگفت ای هژبر دلیر تن پیل داری و چنگال شیر
(مرادی، ۱۳۸۲: ۲۸۲)

قطار با دیدن حضرت علی (ع) متحیر گشته می پرسد:

کدام است، این گُرد لشکر پناه که نتوان بدو تیز، گردن نگاه
سواری است با فرّ و فرزانیگی نموداری مردی و مردانگی
(مرادی، ۱۳۸۲: ۹)

حافظ دین: در کنار جنگاوری، از صفت‌هایی نام برده شده‌است که نشان‌دهنده نقش امام علی(ع) در حفظ دین و همراهی با پیامبر دارد. در حقیقت دو مین صفت پربسامد برای حضرت علی(ع) در این اثر، این گونه صفت‌هاست. بدین ترتیب می‌توان گفت شاعر کوشیده است تا نشان دهد قدرت جنگاوری امام(ع)، همواره در خدمت دین و حفاظت از آن به کار گرفته شده است:

پیرایه مردان خدا، حیدر کرار	آن هم نسب و هم نفس احمد مختار
آن حاجبیار در اسرار پیمبر	آن میر دلیر سپه دین جهاندار
شاهی شده هم گوهر او احمد مرسل	شیری شده همشیره او جعفر طیار
سلطان شریعت را او بود سپر کش	میدان شجاعت را او بود سپهدار
جان کرد فدای نبی الله و همی گفت	تقصیر همی باشد و معذور همی دار
	(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۴۵)

به گلدسته روضه انما	به سرو خرامنده لافتا
علی ولی شیر پروردگار	سپه دار دین شاه دلدار سوار
	(خوش‌کنار، ۱۳۸۶: ۲۹)

راهنما و پیشوا

برخی از صفت‌ها نیز دلالت بر نقش امامت و هدایت‌گری امام در جامعه اسلامی دارد. بدین ترتیب سراینده اشعار، او را به عنوان امام و جانشین برحق پیامبر معرفی می‌کند. عصمت، بخشش و مردانگی: برخی از صفت‌ها نیز معصومیت امام علی(ع) را نشان می‌دهند. هم‌چنین امام علی(ع) در جنگ با دشمنان به صورت شیری خشمگین توصیف شده است که هیچ‌گونه رحمی بر دشمن ندارد، ولی در برخورد و رابطه‌اش با مؤمنان مردانه رفتار می‌کند و حتی نیازهای فقیرترین قشر جامعه را برطرف می‌کند:

مظهر نور نخستین، ذات پاک مصطفاست	مصطفی کو اولین و آخرین انبیاست
آن که هستی بر طفیلش حاصل است افلاک را	وین نه من تنها همی گویم، بدین گویا خداست
چون نبی بگذشت امت را امامی واجب است	وین نه کاری مختصر باشد مر این را شرط هاست

حکمت است و عصمت و بخشش و مردانگی کژنشین و راست می‌گوتاز یاران این کراست؟
این صفات وزین هزاران بینش و عصمت بر سری با وصی مصطفی یعنی علی المرتضاست
(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۳۸)

علم و دانش

هم‌چنین امام علی (ع) به عنوان شخصیت صاحب علم و حکمت توصیف شده است. نکته‌ای که دربارهٔ صفات‌های امام علی می‌توان گفت این است که: صفات‌های نام برده شده برای وی، صفات‌هایی هستند که برساختهٔ شاعر نیستند و در حقیقت صفات‌هایی بوده‌اند که واقعاً امام علی (ع) در زمان حیاتشان، از آن‌ها برخوردار بوده و در این اثر نیز آن‌ها را شاعر دوباره برجسته کرده است:

علی باب‌ها در باب او فرمود پیغمبر بدین منصب که را دانی جز او شایسته و اولی؟
به علم ظاهر و باطن چنان مشکل گشای آمد که بی او بود بس مشکل، اگر مشکل شدی حل‌ها
(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۷۷)

در نمونهٔ زیر نیز امام علی (ع) به عنوان آموزگاری توصیف شده است که به دیگران هنر و دانش می‌آموزد:

چراغ هنر در دل افروخته ز حیدرها هنرها بیاموخته
کسی کش علی باشد آموزگار هنرمند گردد به کم روزگار
(خوش‌کنار، ۱۳۸۶: ۳۸)

کنش گفتاری

کنش‌های گفتار امام علی (ع)، جنبه‌هایی از شخصیت وی را آشکار می‌کند. از طریق گفتارهای زیر شخصیت امام علی (ع)، برای خوانندهٔ اثر، شخصیت‌پردازی شده است. ابتدا آن حضرت از قدرت جنگ‌آوری خود سخن می‌گوید که برای نابودی دشمن از آن استفاده می‌کند. هم‌چنین وی خود را به عنوان فردی شجاع معرفی می‌کند که هرگز میدان نبرد را ترک نمی‌کند:

منم شاه مردان و شیر خدای به مردی عدو بند و کشورگشای

بداندیش را خشت بالین کنم
 پراز خون کنم دشت و هامون و غار
 چو بیند مرا باز پیچد ز جنگ
 نباشد فلک هم ترازوی من
 ندیده است پایم زدشمن گریز
 ندیده است پشت مرا هیچ روی
 کجا آزمودی کما بیش من؟
 بدین تیغ کاندر نیام من است
 (ابن حسام، ۱۳۸۸: ۲۲۸)

در نمونه‌های زیر نیز گفتار امام علی (ع) در خدمت بیان ویژگی‌های جنگاوری‌اش است:

تن پیل داری و چنگال شیر
 جهان را پر آشوب کردی و کین؟
 نمودی ز بازوی خود زور چنگ
 سپاه مرا در جهان تارو مار
 من این کردم و آنچه باید کنم
 (ابن حسام، ۱۳۸۲: ۲۸۱)

نگهدار لختی بر این بوم پی
 گشاد سواران نمایم به تو
 به چرخ بلند اندر افتاد جوش
 ز نعلش بجنبید ساحل زمین
 زمین چو دریای خون کرده بود
 بدین تیغ کاندر نیام من است
 به مردی عدو بند و کشور گشای
 (همان: ۲۵۸)

من آنم که چون اسب را زین کنم
 من آنم که چون برکشم ذوالفقار
 من آنم که در رزم جنگی پلنگ
 من آنم که بازو و بازوی من
 من آنم که با تاب ابروی من
 من آنم سواری که از هیچ سوی
 توای بد گمان کامدی پیش من
 علی گفت مرگ تو نام من است

علی را بگفت ای هژبر دلیر
 تو آنی که در مرز خاورزمین
 توانی که تهماس را روز جنگ
 توانی که کردی به میدان سه بار
 به پاسخ علی گفت آری منم

علی گفت کای بدرگ شوم پی
 من امروز تیری گشایم به تو
 بزد نعره‌ای حیدر تیز هوش
 برانگیخت دلدل سپهدار دین
 به خون تیغ و بازو برون کرده بود
 علی گفت مرگ تو نام من است
 منم شاه مردان و شیر خدای

بدین ترتیب از طریق این کنش‌ها، شخصیتی جنگاور از امام علی(ع) ترسیم شده است که از هیچ چیز و هیچ کس ترسی ندارد و برای نابودی دشمنان از تمام توان خود استفاده می‌کند. در برخی از گفت و گوها نیز یک سوی گفت و گو، خداوند است که در این موارد، حضرت علی(ع) به نیازهای خود در برابر خداوند مانند نیاز به قدرت، راهنمایی و حل مشکلات اشاره می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت شخصیتی که از حضرت علی(ع) در برابر مخلوقات، ترسیم می‌شود، شخصی بی‌نیاز از هر چیز و کس است؛ اما در برابر خداوند، از حضرت علی(ع) به عنوان یک انسان نیازمند و ناتوان نام برده شده است:

<p>گشاد از میان در زمان ذوالفقار همی گفت: یا رب تویی کارساز پناه من و پشت و فریاد من به موسی و نور تجلی و طور برآمد یکی پیر از آن رودبار که نعلین او ذره ای تر نگشت منت تا ز دریا برم بر کنار نگه کرد حیدر مر او را ندید (ابن حسام، ۱۳۸۲: ۲۲۷)</p>	<p>بشد پهلوان تا لب رودبار وضو کرد و آمد به جای نماز بنالید کای داور داد من به تورات و انجیل و صحف وزبور کزین آب دامن مرا ره نمای از آن آب دریا چنان در گذشت از آن پس فرودآی زین کوهسار بگفت این واز دیده شد ناپدید</p>
--	---

در گفت‌وگوی زیر بین حضرت علی(ع) و کامکار، مضمون گفت‌وگو دعوت کامکار به دین اسلام است که این امر نشان از این دارد که جنگ‌های امام علی(ع) برای دین و گسترش آن بوده است و بدین ترتیب از طریق این گفت و گو، هویت دینی جنگ‌های امام علی(ع) نشان داده می‌شود:

<p>ز آئین پیشین پشیمان شوی به عقبی نمائی به رنج و عذاب گرفتش مر او را علی در کنار (ابن حسام، ۱۳۸۲: ۳۷۰)</p>	<p>علی گفت اگر خود مسلمان شوی به دنیا ز تیغم نگردی خراب مسلمان شد اندر زمان کامگار</p>
---	--

کنش رفتاری

کنش‌های رفتاری آن حضرت عبارتند از:

گریه کردن و غلتیدن در پای پیامبر:

چو افکند تهماس کشتی بر آب
 که پیغمبرش پیشباز آمدی
 به خواب اندرون، حیدر نامدار
 چو دید آفتاب دلارای او
 چنان دید حیدر، همان شب به خواب
 به نزدیک حیدر فراز آمدی
 ز دیده بیفشاند بر رخ نثار
 بغلتید چون سایه در پای او
 (ابن‌حسام، ۱۳۸۲: ۲۱۷)

اندیشیدن، خبر گرفتن و به استقبال رفتن:

همان آگهی شد به حیدر نخست
 پر اندیشه شد حیدر نامدار
 برآمد بر این چند روز دگر
 پذیره شد آن کاروان را علی
 که آخر چه رفت و چه بود از نخست
 ز بوالمحجن آن گرد خنجر گذار
 همی جست حیدر ز هر کس خبر
 ولی خدا مایه‌ پر دلی
 (خوش کنار، ۱۳۸۶: ۸۵)

بوسه بر سلاح نبرد زدن:

ببوسید حیدر سلیح و سلب
 به آیین گردنکشان عرب
 (همان: ۸۷)

سوارکاری:

به آهستگی شاه خیبر گشای
 برون راند دل‌دل به نام خدای
 (همان: ۸۸)

دیگر کنش‌های رفتاری وی عبارتند از: جنگیدن، کشتن دشمنان، نعره زدن، نجات دادن دوستان، گذشتن بر دشت گرم و سوزان، نجات خود از چاه مکر، ویران کردن حصار، آزاد کردن اسیران و گشادن طلسمات. از نظر بسامد بیشترین افعال امام علی (ع) مختص به جنگیدن و کشتن دشمنان است، بدین ترتیب در مسأله کنش رفتاری نیز شاعر صفت جنگاوری امام

علی(ع) و مسایل مربوط به آن را برجسته کرده است.

در آن تیره شب ماند حیدر شگفت
برآورد سر سوی چرخ برین
به چنگال دست چپ از سوی راست
هم از دست بگرفت پهلوی چپ
یک نعره‌ای از جگر برکشید
سیه شد نیوشنده را مغز و هوش
ده اندر ده از هر طرف جانور
چو آن نعره برداشت مرد دلیر

هم اندر زمان نام یزدان بگفت
همی‌خواست زور از جهان آفرین
بیازید و بگرفت پهلوی راست
چپ از راست چون راست از سوی چپ
شب تیره صور قیامت دمید
فلک را تو گفتی که کر گشت گوش
بمردند پاک اندر آن بوم و بر
بپرداخت آن بیشه از ببر و شیر
(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۱۶۳)

شخصیت علی (ع) به مثابه دال در حماسه مذهبی خاوران‌نامه

در این اثر بیشتر از نام علی برای نامیدن این امام استفاده شده است. این اسم در فرهنگ لغت به معنی بلند قدر، بزرگ، شریف و بلند برآمده است. (ر.ک: لسان العرب، ج ۱۵؛ ص ۸۳ و المفردات فی الغریب القرآن، ص ۵۸۲). بدین ترتیب می‌توان گفت بین اسم و شخصیت هم‌خوانی و تناسب وجود دارد و همان گونه که در داستان شخصیت از جایگاه بسیار بلند مرتبه‌ای برخوردار است و به صورت انسانی شریف جامع کمالات انسانی ترسیم شده است، نام او نیز دلالت بر این امر دارد. هم‌چنین از لقب حیدر نیز برای نامیدن شخصیت استفاده شده است. این لقب نیز به معنی شیر و نماد شکست‌ناپذیری و شجاعت است. معنی دیگر آن، دوراندیش است؛ یعنی کسی که در ظرافت‌ها و نکته‌های دقیق امور و کارها اندیشه می‌کند. (ر.ک: لسان العرب؛ ذیل ماده حدر؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق. ج ۳: ۱۱۰). عَشْمَم نام دیگر حضرت در این اثر است که به معنی مرد خودرأی دلیر است که هیچ چیز او را از مراد بازمی‌دارد. (ر.ک: لغت نامه دهخدا، ذیل واژه). در حقیقت می‌توان گفت نام و لقب به کار برده شده در این اثر برای حضرت علی(ع)، جامع تمام خصلت‌ها و صفت‌هایی است که از طریق صفت، کنش گفتاری و کنش رفتاری برای این حضرت در نظر

گرفته شده است.

نتیجه گیری

در این پژوهش کوشیده شد تا بر اساس نظر فلیپ هامون، شخصیت حضرت علی (ع) در کتاب خاوران نامه بررسی شود. مهم ترین صفت به کار رفته برای این شخصیت، جنگاوری و شجاعت بوده است و صفتهایی مانند حافظ دین، راهنما، عالم و معصوم در مرتبه بعد قرار داشته است. در حقیقت صفتهای او به دو دسته کلی قابل تقسیم هستند: صفتهای نشان دهنده قدرت جسمانی و علمی او و صفتهای معنوی و نشان دهنده جایگاه او در عالم دین. شاعر کوشیده است از این طریق نشان دهد که حضرت علی شخصیتی بوده است بسیار قدرتمند، هم از نظر قدرت جسمانی و هم از نظر علمی که از این ویژگی خود برای حفظ دین استفاده کرده است. کنش های گفتاری دو سطح از شخصیت حضرت علی (ع) را نشان می دهند. در گفت و گوهای با مردم، وی شخصیتی بی نیاز و توانمند ترسیم شده است که از هیچ چیز و هیچ کس ترسی ندارد؛ اما در گفت و گوهایی که با خدا صورت می گیرد، وی به عنوان شخصیتی بسیار نیازمند و ناتوان به تصویر کشیده شده است که برای انجام کارهای خود نیاز به خداوند دارد. کنش های رفتاری وی شامل کنش های مختلفی مانند جنگیدن، کشتن، نجات بخشی و مانند این است که بسامد فراوان این نوع کنش ها نشان دهنده جایگاه اصلی امام علی (ع) در داستان است. امام علی (ع) طوری شخصیت یافته بود که برای دفاع از اسلام و مسلمانان درگیر مبارزه با دشمنان و نابود کردن آنان بوده است.

نام ها و لقب های به کار رفته برای این امام، یعنی علی، حیدر و عَشمشَم همگی با صفت ها و کنش های این شخصیت هم خوانی دارند و به گونه ای اسم و لقبش دلالت بر تمام خصوصیت هایی دارد که در داستان وی از خود نشان می دهد.

منابع

۱. احمدی، بابک (۱۳۷۵) ساختار و تأویل متن، ج ۱، چاپ سوم، تهران: مرکز.
۲. ابراهیمی، نادر (۱۳۷۸) پراعت استهلال یا خوش آغازی (ساختار و مبانی ادبیات داستانی).
۳. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۴. براهنی، رضا (۱۳۷۲) قصه نویسی، چاپ چهارم، تهران: نگاه.
۵. حمداوی، جمیل (۲۰۱۵) الاتجاهات السیمیوطیقیة، الطبعة الاولى، بیروت: المنظمه العربیه للترجمه.
۶. خوسفی، محمد بن حسام (۱۳۸۶) خاوران نامه، نیمه اول، تصحیح حیدر علی خوش کنار، اردبیل: انتشارات مهد تمدن.
۷. _____، _____ (۱۳۷۷) خاوران نامه، نیمه دوم، تصحیح حمیدالله مرادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۸. داد، سیما (۱۳۸۷) فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ چهارم، تهران: مروارید.
۹. سیگر، لیندا (۱۹۹۱) خلق شخصیت های ماندگار، ترجمه ع. اکبری، تهران: سروش.
۱۰. صفا، ذبیح الله (۱۳۸۷) حماسه سرایی در ایران (از قدیمی ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردم هجری)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس.
۱۱. کزازی، میرجلال الدین (۱۳۸۳) رؤیا، حماسه، اسطوره، چاپ ششم، تهران: نشر مرکز.
۱۲. عیاشی، منذر (۱۴۲۹) العلاماتیة و علم النص، دمشق: دارالمحبه.
۱۳. مرادی، حمیدالله (۱۳۸۲) تازیان نامه پارسی (خلاصه خاوران نامه ابن حسام خوسفی)، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۴. مقدادی، بهرام (۱۳۷۸) فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی (از افلاطون تا عصر حاضر)، تهران: فکر روز.
۱۵. مکاریک، ایرنا (۱۳۸۸) دانش نامه نظریه های ادبی معاصر، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، چاپ سوم، تهران: آگاه.
۱۶. میرصادقی، جمال (۱۳۹۲) عناصر داستان، چاپ هشتم، تهران: سخن.

۱۷. واعظی، مرادعلی (۱۳۸۹) اندیشه و بیان ابن حسام خوسفی، بیرجند: حوزه هنری استان خراسان جنوبی.

۱۸. هامون، فیلیپ (۱۹۹۰) سمیولوژیة الشخصیات الروائیة، ترجمه سعید بنگراد، (د، ط)، المغرب: دارالکلام.

مقالات

۱۹. استون، الین، ساوانا، جرج (۱۳۸۲) نشانه‌شناسی شخصیت، مترجم: داوود زینلو، مجله هنر، ش ۵۵، صص ۴۸-۶۳.

۲۰. بهنام‌فر، محمد و خسروی، مجید (۱۳۹۱) تأثیر شاهنامه بر خاوران نامه، فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، شماره ۲۶، صص ۳۵-۸.

۲۱. طاهری‌نیا، علی‌باقر، حیدری، زهره (۱۳۹۳) ساختار نشانه‌ای شخصیت حضرت مریم (س) در قرآن کریم، فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)، سال پنجم، ش ۱۵، صص ۴۵-۶۴.

۲۲. عامری، علی، طاهری‌نیا، علی‌باقر (۱۳۹۵) نشانه‌شناسی ادبی شخصیت فرعون در قرآن کریم، فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال چهارم، ش ۲، صص ۱۶۵-۱۴۴.

Imam Ali;his personality and aspects based on Philip Hamon, in khavaran-Name

D.r Ghalil Beygzade¹, Bayram Morad Moradi², Afsane Nori³

Abstract

The great and prominent personality of Ali(p.b.u.h) is in such a way that attract every body and in the history always the writers and poets write about his personality. Like Molana Mohammad IbnHesamKHosefi is the poet of Nineth century. He was the first religious epic poet of Persian literature and is from the first poets that Shiiethinkingtrain in it'spoem. The big personality of Ali makes him to say beautiful and mot lines. PhillippHamon. French semiotician, thinks the personality as a symbolic element and develops the theoricsemioteic , basic of personality. In this research wich done on the descriptiue-analytic way, tries to study that Ali's personality in Khavaran-Name based on thesemioteicstheori - cpersonality of Philipp Hamonthat knows the personality a conceptual semiotics and a complete sot of thought and features.Hamon knows the personality a sing that constitute of DALL (name, syntactic status and the rhetoric type) and Referent (characteristics, the speech Act and Behavioral Act). Generally, by studing the personality semiotics we can realizthe characteristics and features of deep-internal layers of people and this sets of behaviors puts as a pattern for ourself. The results of this research stating that the speech Acts, shows two levels of Imam Ali's personality. In the saying with people he traced back a needless and powerfulpersonality wich has fear of anybody and anything, but in the words that done with God. He pictures as a person that needs is incapable that needs to Gods to do his jobs. His behavioral acts include different acts. Like war, killing, save and soon that the abundant frequency of the actsshowsthe greatstatus of Imam Ali in the story and that he's move a person wich involved war with enemies and killing them to defend thereligion and muslims. Names and the used tittle for this Imam like; Ali, Heidar and Qashamsham all has a compatibility with the characters and acts of his personality and his names title indicate to all of the qualities that he shows in the story.

key words: Khavaran Name, Imam Ali, personality, PhillippHamon.

¹. Associate Professor of Razi University of Kermanshah, Kermanshah, Iran.
(Responsible author)

². Graduate Student of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

³. Graduate Student of Persian Language and Literature, Zabol University, Zabol, Iran.